



دادند، شوخی‌ها و لحن را به فضای روز و به شخصیت خودمان نزدیک کردیم تا واقعی‌تر شود. همیشه پلیس بازی کردن برایم جذاب بوده و تلاش کردم نقش را درست اجرا کنم.

واکنش‌ها به سکانس شوخی با سرگرد امجد درباره دختر مضمون که در فضای مجازی وایرال شد چه بود؟ خودتان نقدی به آن سکانس داشتید؟

آن سکانس ادامه روندی بود که برای شخصیت محسن طراحی شده بود؛ شخصیتی با هوش اجتماعی پایین که جاهای نامناسب شوخی می‌کند یا سلسله مراتب را رعایت نمی‌کند اما در عین حال یک پلیس جوان و جویای نام است که کار کنار سرگرد امجد برایش جذابیت دارد. در دو سه قسمت اول، این کاشت‌ها گذاشته شده بود تا در قسمت چهارم که پرونده از سرگرد گرفته می‌شود و به محسن داده می‌شود، مخاطب با این تغییر همراه شود. بنابراین نقدی به آن سکانس نداشتم؛ بخشی از مسیر قصه بود.

در آثار قبلی‌تان با اینکه نقش‌هایی متفاوت از محسن مولا بازی کرده‌اید، اما باز هم نشانه‌هایی از همان هوش اجتماعی پایین یا تأثیر پذیری شدید کاراکترها دیده می‌شود. نگران نبودید که تکرار این تیپ شخصیتی، تصویری ثابت از شما در ذهن مخاطب ایجاد کند؟

این مسئله درباره هر بازیگری وجود دارد. بازیگری که هدفمند باشد به دنبال ساختمان نقشی متنوع است. من از سینما با فیلم «طبقه حساس» شناخته شدم؛ نقشی کاملاً کمدی. بعد با فیلم «سد معبر» در نقش شخصیتی بسیار متفاوت دیده شدم. برخی نقش‌ها برای بازیگر برکت دارند؛ حتی اگر کوتاه باشند. بعد از «سد معبر» و «ملکه گدایان» پیشنهادهای مشابه زیادی درباره همان طبقه اجتماعی گرفتم، اما سعی کردم فاصله بگیرم. در «علفزار» دوباره نقش متفاوتی بازی کردم و آن فیلم هم برایم برکت داشت. «زخم کاری» نقطه مقابل نقش‌های طبقه اجتماعی پایین بود و «برتا» هم دوباره متفاوت است. در کارنامه من رفت و آمد بین نقش‌ها وجود دارد، اما درست است که دو نقش اخیر پشت سرهم دیده شده‌اند.

ویژگی‌های برجسته سریال «برتا» از نگاه شما چیست و چرا به نظر مخاطب جذاب آمده؟

تا قسمت چهارم، فیدبکی که در خیابان و فضای مجازی گرفتم این است که سریال خوش ساخت و تمیز است و در ژانر خودش استاندارد عمل می‌کند. طبیعتاً ژانر پلیسی خشونت و تنش دارد و ممکن است سلیقه برخی نباشد. اما اگر سریال را در چارچوب ژانر خودش ببینیم، چه نسبت به آثار داخلی و چه خارجی، سریال استانداردی است. تصویربرداری خوب، ریتم مناسب و کارگردانی نوآورانه دارد. از قسمت پنج به بعد هم با ورود امیرعلی نداف و باز شدن قصه، جذاب‌تر می‌شود.

عرفان ناصری بازیگر:

بعضی از نقش‌ها برکت دارند

عرفان ناصری دانش آموخته رشته بازیگری است و فعالیت حرفه‌ای خود را از تئاتر آغاز کرده است و سپس در فیلم‌های پرطرفداری مانند «سد معبر»، «جشن دلتنگی»، «بی همه چیز»، سریال «ملکه گدایان» و... بازی کرده است. سکوی پرتاب عرفان ناصری که می‌توان از آن به عنوان مهم‌ترین فیلم سینمایی او نام برد، فیلم «سد معبر» به کارگردانی محسن قزایی در سال ۱۳۹۵ بود. این فیلم برنده جوایز بسیاری از جمله جایزه «بهترین فیلم بخش جریان‌های نو جشنواره فیلم پوسان ۲۰۱۷» شده است. فیلم طنز «طبقه حساس» تجربه جدیدی برای عرفان ناصری بود که توانست در این فیلم نیز در کنار بازیگرانی همچون رضا عطاران، بهاره رهنما و آزاده صمدی بازی در خور توجهی داشته باشد.

چه شد که نقش در سریال «برتا» به شما پیشنهاد شد و چه شد که آن را پذیرفتید؟

من همیشه امیرحسین ترابی را جزو کارگردان‌های مورد علاقه‌ام می‌دانستم و دوست داشتم با او کار کنم. وقتی فهمیدم تهیه پروژه به دفتر آقای کامران حجازی است، این علاقه بیشتر شد. در آن زمان هم‌زمان درباره یک پروژه دیگر هم صحبت کرده بودم و چند قدم جلوتر بودیم، و قصد داشتم برای این کار جدید عذرخواهی کنم. اما وقتی آقای ترابی نقش و حال و هوای کار را توضیح داد، ترغیب شدم و ۲۴ ساعت وقت خواستم. با چند نفر از دوستان مشورت کردم و حتی با کارگردان پروژه قبلی هم صحبت کردم. او هم با روی باز گفت اگر فکر می‌کنم این کار برایم مناسب‌تر است، سر آن کار بروم. این شد که بازی در نقش محسن مولا در سریال برتا را پذیرفتم.

برای رسیدن به نقش محسن مولا چه مرحله‌ای را طی کردید و برداشت اولیه‌تان از این شخصیت چه بود؟

در ابتدا شوخی نویسی‌هایی درباره این شخصیت شده بود و به دلیل اینکه محسن دستیار قهرمان قصه است، انتظار می‌رفت فردی باشد که در کنار قهرمان، باهوش‌تر و دقیق‌تر جلوه کند. اصولاً دستیار در این ژانر باید اشتباهاتی داشته باشد تا توانایی قهرمان بیشتر دیده شود. این الگوی ژانر پلیسی است. اما در جلسات دورخوانی و سر صحنه، با اصلاحاتی که امیرحسین ترابی و شهرام حقیقت‌دوست پیشنهاد

بود؟

ما پیش‌زمینه تحقیقات جنایی را از «خونسرد» داشتیم؛ بررسی قاتلان سریالی، دیدن مستندها، مطالعه پرونده‌ها و ترجمه منابع سایکولوژیک پیش‌تر انجام شده بود. برای «برتا» تمرکز از پرونده‌های جنایی برداشته شد و روی طراحی معمار رفت. ساختار قصه معمایی است و طراحی آن بیشتر شبیه طراحی مکانیزم بازی و ویدیوگیم شد. زمان زیادی صرف مطالعه شیوه‌های ساخت پازل، طراحی چالش و ساختار معما شد. همکاری‌های نظارتی ساترا و ناجی هنر هم در جریان کار وجود داشت.

آنچه در سریال می‌بینیم چقدر با فیلمنامه اولیه یکسان است؟

ساختار منطقی قصه تغییری نکرده و سازمان‌های نظارتی همکاری کامل داشتند. ناجی هنر فقط بعضی موارد را تعدیل کرده اما قصه تغییر اساسی نکرده است. اگر تفاوتی هست در شرایط تولید رخ داده. قصه «برتا» دومینوی طراحی شده و بخش مهمی از جذابیت سریال، کلیشه‌شناسی و کلیشه‌زدایی آگاهانه بوده تا بعد از گره‌گشایی سورپرایزهای مؤثری ایجاد شود.

در شخصیت پردازی و نمادگرایی چه تمهیداتی داشتید؟

برای یونس امجد یک الگوی هرمسی در نظر گرفته شد؛ شخصیتی درون‌گرا، کمال‌گرا، عجول و منزوی که با نشانه‌هایی مثل نوشیدن چای داغ یا ویس گذاشتن برای خودش معرفی می‌شود. سکانس‌های وان حمام نماد غرق‌شدگی درونی اوست. عرفان ناصری بیشتر حرف می‌زند و یونس بیشتر ناظر است.

در مورد کاراکترهایی که هنوز وارد قصه نشده‌اند، مثل شخصیت مهدی حسینی‌نیا، توضیح می‌دهید. از ابتدا برای نقش، انتخاب آقای حسینی‌نیا مشخص بود؟

مهدی حسینی‌نیا شخصیتی حادثه‌دیده و غمگین با گذشته‌ای پرچالش دارد و در پیشبرد ماجرای «برتا» تأثیرگذار است. در نگارش اولیه کاملاً شخصیت شکل گرفته یک فرد سن دار است و اصلاً تصور نمی‌کردیم که حسینی‌نیا این نقش را ایفا کند چون بازیگری جوان‌تر از شخصیت ما بود اما توانایی و چهره حسینی‌نیا باعث شده انتخاب او در اولویت قرار بگیرد و این فاصله سنی شخصیت با گرمی خاص و متفاوت جبران شده است.

چرا ژانر جنایی در ایران طرفدار دارد و چگونه باید از کلیشه دور شد؟

به‌صورت تاریخی پرونده‌های جنایی همیشه برای مردم ایران جذاب بوده؛ از «خفاش شب» تا پرونده‌های معروف قدیمی. اما محدودیت‌هایی که فضای داخلی برای شخصیت پردازی پلیس ایجاد می‌کند، مثل ممنوعیت نمایش برخی ویژگی‌های انسانی پلیس، باعث شده نشود دقیقاً از الگوهای بین‌المللی استفاده کرد. این محدودیت هم تهدید و هم فرصت است. تیم نویسندگی تلاش کرده پلیس‌ها را به‌وسیله طراحی زندگی خانوادگی، گذشته دردناک و اشتباهات شخصی خاکستری و قابل‌باور کند. مخاطب ایرانی ژانر جنایی، پلیسی و حتی ترسناک را دوست دارد و همراه ملودرام‌ها دنبال می‌کند.

مهم‌ترین ویژگی‌های «برتا» از نظر شما چیست؟

«برتا» فیلمنامه‌ای تکنیکال دارد؛ سکانس به سکانس و پلان به پلان طراحی شده و هیچ کلمه‌ای بدون کارکرد نیست. قصه از چند خط‌روایی موازی تشکیل شده و بر محور اسلحه «برتا» به‌عنوان نخ تسبیح پیش می‌رود؛ کلتی که ۲۰ سال پیش زندگی‌ای را نابود کرده و حالا دوباره شلیک می‌شود و دو گروه باید برای فهم ماجرا به توافق برسند. او تأکید می‌کند که طراحی معما، ساختار فرمی و نگارش جزئی‌نگر باعث شده «برتا» صرفاً یک درام نباشد و به فیلمنامه‌ای پیچیده و دقیق تبدیل شود.

نام «برتا» چطور انتخاب شد؟

نوجوان بودم که یکی از فیلم‌های جیمز باند را دیدم؛ یک خانم در آن فیلم اسلحه برتا داشت. از آن موقع اسم «برتا» برایم جذاب و سینمایی ماند. وقتی فهمیدیم یکی از کاراکترهای اصلی ما قرار است اسلحه باشد، دیدیم اسم مناسب‌تر از برتا نداریم. بعد هم مسیر قصه به سمتی رفت که دیدیم خود قصه دارد درباره برتا روایت می‌شود.

ژانر جنایی، پلیسی و امنیتی محدودیت‌های زیادی در نمایش مقامات و نیروها دارد. این محدودیت‌ها در فیلمنامه یا تولید شما مانعی ایجاد نکرد؟

بدون شک وجود دارد. قبل از ساخت، نهادهای مختلف فیلمنامه را می‌خوانند؛ نظارت‌های خاص، ممیزی‌های مختلف. بعد از تأیید، می‌روی کار را می‌سازی و تازه بعد روی پرده یادشان می‌افتد چه خبر است. سخت است. پلیس هم یک آدم است مثل همه؛ با مشکلات شخصی و تاریکی‌های خودش. همین تاریکی‌ها شخصیت را جذاب می‌کند. اما این‌ها را نمی‌شود نشان داد چون همه چیز باید تطهیر شده باشد. این هم تورا اذیت می‌کند و هم شخصیت پردازی را.

بازخورد مخاطبان چطور بوده؟

مخاطب کار را خیلی دوست داشته است. طبق آماری که داریم بالای ۸۰ درصد رضایت وجود دارد. کامنت‌ها، پیام‌ها، تماس‌ها، دایرکت‌ها... همه نشان می‌دهد مخاطب همراه است.

قصد ساخت فصل دوم دارید؟ چه برای «خونسرد» چه برای «برتا»؟

پخش هنوز تمام نشده و باید ببینیم چه می‌شود. اما اصولاً معتقدم ساخت اسپین‌آف در ایران هم کار اشتباهی است و هم سخت. بهتر است دنبالش نرویم.

اگر نکته پایانی دارید بفرمایید.

یک جمله از محمد مهدی عزیزمحمدی نقل می‌کنم: اگر همین «برتا» را نتفلیکس ساخته بود، همه با جان و دل نگاهش می‌کردند. ما وقتی وارد ژانری می‌شویم که سخت است و همه نمی‌خواهند واردش شوند، فکر می‌کنیم دستمان باز است که هر ایرادی بگیریم. «پریکینگ بد» با همه عظمتش تا شش قسمت اول اصلاً جذاب نیست، مخاطب تازه از قسمت ششم درگیر می‌شود. بیننده ایرانی عجول است؛ بیشتر از بیننده، منتقد عجول است. با یک قسمت قضاوت می‌کند. در «برتا» هم نقدهایی در قسمت اول مطرح شد که جوابش در قسمت دوم داده شده بود. سریال جنایی را باید با دقت دید؛ ندیدن حتی یک پلان، تو را از مسیر قصه دور می‌کند.

محمد مهدی عزیزمحمدی نویسنده:

تمرکز «برتا» بر طراحی معما بود

محمد مهدی عزیزمحمدی نویسنده سینما و تلویزیون است که پیش از این سریال درام جنایی «خون سرد» را با نویسندگی وی در شبکه خانگی شاهد بوده‌ایم. سریال جنایی معمایی «ماجرای کشته شدن لیلا»، طرح سریال «منم دوستت دارم» در شبکه سلامت، سریال «سورخ» (شبکه سلامت)، برنامه «شهروند و مافیا» (شبکه نسیم)، برنامه «ساعت صفر» (شبکه سه سیما)، برنامه «هفت ونیم» برنامه «وقت‌ش» (شبکه نسیم)، برنامه «سرحال» (شبکه نسیم)، برنامه «نونوایان» (شبکه دو سیما) و برنامه «صبگاهی باطراوت» (شبکه سه سیما) از جمله آثاری هستند که در کارنامه کاری وی به‌ثبت رسیده‌اند.

در «برتا» چه میزان تحقیق انجام شد و همکاری‌ها با چه نهادهایی

